

## مقایسه سبک زندگی با هویت اجتماعی

فوزیه نورمحمدی پشته ئی

### چکیده

این مقاله در پی نشان دادن تأثیر سبک زندگی در هویت اجتماعی است. چارچوب نظری آن استدلال نظری پیر بوردیو مبنی بر تعیین‌کنندگی سبک زندگی در ایجاد تمایز اجتماعی است. سبک زندگی شامل دو بعد مصرف فرهنگی و مدیریت بدن و به صورت تیپولوژی دو وجهی جهانی محلی در نظر گرفته شده و هویت اجتماعی به صورت سه هویت قومی و مذهبی و جهان‌وطنی در پیمایشی از نمونه‌ای احتمالی از جوانان سنندج سنجیده شده است. نتایج به دست آمده از روش مدل سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد که داده‌های تجربی مدل نظری مورد نظر را حمایت نمی‌کنند. به عبارت دیگر بررسی تجربی انجام شده روابط مفروض بین مصرف فرهنگی و مدیریت بدن به عنوان ابعاد سبک زندگی و هویت قومی، هویت مذهبی و هویت جهان‌وطنی به عنوان ابعاد هویت اجتماعی را تأیید نمی‌کند. هر چند ارتباطی ضعیف بین متغیرهای مذکور برقرار است.

### کلیدواژه‌ها

سبک زندگی هویت اجتماعی هویت قومی هویت مذهبی هویت جهانی مصرف فرهنگی

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

## مقدمه

هدف غایی نظام های آموزشی در سراسر دنیا تعلیم افراد به منظور حضور در جامعه و انتقال هویت، فرهنگ، ارزش ها و اصول حاکم بر کشور است؛ به نحوی که نظام آموزش و پرورش در سراسرگیتی، گروه های دانش آموزی را در مدارس و کلاس های درس گردهم می آورد تا امیدها و انتظارات جامعه و افراد را برآورده سازد. در این بین علی رغم آنکه در ظاهر، فراگیری علم و ترویج شاکله های آن مهم ترین اهداف نظام آموزشی به شمار می آیند، با این حال نباید از یاد برد که نظام آموزشی نقش مهمی در جامعه پذیری افراد ایفا می نماید. از این رو افراد علاوه بر فراگیری علم و دانش به شناخت خود و دیگران نیز می پردازند. به همین سبب نحوه شکل گیری شخصیت و جامعه پذیری فرد در این نظام از اهمیت قابل توجهی برخوردار است؛ به نحوی که جامعه پذیری می تواند افرادی تربیت کند که در راه رشد و کمال خود و توسعه و سازندگی جامعه قدم بردارند و یا بالعکس. این نظام باعث می شود فرد علاوه بر کسب اطلاعات و دانش، برای ایفای نقش های مختلف در جامعه آماده شده و با هنجارها و قواعد اجتماعی آشنا شود. در واقع فرد از یک سوشیوه صحیح زندگی اجتماعی را می آموزد و از سوی دیگر آماده شرکت فعالانه در زندگی و پذیرش مسئولیت در جامعه می شود. در واقع نظام آموزشی می تواند به مثابه مرجعی انسان ساز عمل کند و ارزش ها، اصول و اهداف در راستای تقویت یا تضعیف هویت ملی را در جامعه باز تولید نماید. به خصوص که در حال حاضر ضرورت و نقش دوره های آموزش و پرورش فقط در توسعه مهارت ها، قابلیت های شناختی و آماده کردن کودکان برای ورود به مدارج تحصیلی بالاتر خلاصه نمی شود، بلکه آن را عامل و اساس هرگونه تحول آغازین در عرصه رشد و توسعه اجتماعی فرهنگی و اقتصادی نیز می پندارند. در واقع در عصر حاضر، نظام آموزشی از یک سو در تبدیل انسان ها به افرادی بالنده از لحاظ فرهنگی و اجتماعی فعال است و از سوی دیگر تأمین کننده دانش عمومی مورد نیاز نیروی انسانی در بخش های گوناگون اقتصادی و اجتماعی محسوب می شود. ضمن آنکه نقش مهمی در تحکیم هویت ملی، وحدت ملی و تقویت همبستگی اجتماعی از طریق اشاعه سنت ها، رسوم اجتماعی و ایدئولوژی ها ایفا می کند. از این رو نظام آموزشی یکی از مهم ترین مؤلفه های دوام و پایداری حکومت ها محسوب می شود؛ به نحوی که عدم کارکرد صحیح آن می تواند مولد بحران های مختلفی نظیر بحران هویت شود.

مسئله بحران هویت یکی از حادثترین مسائل موجود در کشورهای در حال توسعه محسوب می شود و بعضاً این بحران موجب رخنه عوامل بیگانه و سقوط رژیم های حاکم نیز شده است. به طور کلی بحران هویت هنگامی رخ می دهد که یک جامعه دریابد آنچه را که تاکنون به طور دربست و بی چون و چرا به عنوان تعاریف فیزیکی و روان شناسانه خود جمعی اش پذیرفته بود، تحت شرایط تاریخی جدید دیگر قابل پذیرش نیست. از این رو بحران هویت در اثر پیامدهای روان شناسانه تغییر اجتماعی سریع و احساسات دوگانه نسبت به بیگانگان ایجاد می شود (پای، ۱۳۸۰)، در چنین شرایطی حکومت از باز تعریف هویت خود باز می ماند و نیروهای خارجی با تبلیغات گسترده به تبیین هویتی نوین برای ملتی که از هویت پیشین خود وامانده است، می پردازند. از این رو در شرایطی که بحران هویت به طور خاص با موضوع وحدت و انسجام ملی مرتبط است، عدم دستیابی به راه حلی قاطع جهت بر طوف نمودن آن در گذر زمان، به بحران مشروعیت منجر خواهد شد. از این رو بنظر می رسد نظام آموزشی بتواند نقش مهمی در شکل گیری و تکوین هویت ملی به ویژه در جوانان و نوجوانان ایفا نماید و جهت گیری هویتی افراد را با جهت گیری ارزشی و هنجاری نظام سیاسی همراه سازد.

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
معاونت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

هویت ملی یک اصطلاح جدید و محصول مدرنیته است. مدرنیته زاینده عصر رنسانس است و حاصل آن، شکل‌گیری دولت ملت و حکومت‌های قدرتمند و متمرکز است. هویت ملی ناشی از دو پدیده است: یکی فرایند عبور تاریخ از مراحل خاص همراه با تحولات گوناگون که منجر به شکل‌گیری و بروز عصر ناسیونالیسم در نهضت رنسانس در چارچوب مفهوم دولت شد و پدیده دیگر محصول فرایند یا فرآورده‌ای است که به هویت ملی تعبیر می‌شود و جایگزین هویت دینی در نظام کلیسای قرون وسطی شد و در نتیجه آن، ملت جای امت را گرفت. به این ترتیب ویژگی‌های هر ملتی که متفاوت از ملت دیگر است، هویت ملی آن را شکل می‌دهد. هویت ملی زاینده مفهوم ملت و ناسیونالیسم است؛ یعنی تا ناسیونالیسم به وجود نیامده، هویت ملی نیز شکل نگرفته بود. بنابراین هویت ملی مفهوم جدیدی است که ساخته و پرداخته هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی مدرنیته به شمار می‌رود. هویت ملی از نوع هویت جمعی [اومانیسیم + ناسیونالیسم] است؛ به این معنا که هویت ملی نشان‌دهنده این سه واقعیت است که صاحب هویت ملی احساس همبستگی، وابستگی و همچنین وفاداری نسبت به ملت خود دارد. هویت ملی همانند هویت فردی در کشاکش تصور ما از دیگران شکلی می‌گیرد؛ مانند این که یونانی‌ها خود را برتر از بربرها می‌دانستند. در حالی که بدون بربرها، قابلیت یونانی‌ها مشخص نمی‌شود. بنابراین هویت «دیگران» را با آگاهی از هستی «خود» ملی یک نوع خودآگاهی از هستی که دو روی یک سکه هستند و یکی بدون دیگری معنا ندارد. (بیگدلی، ۱۳۸۳)، میشل فوکو در بحث تبارشناسی، هویت را تمایز نقاب‌ها می‌داند؛ به عبارتی تمایز آدم‌ها را در تفاوت هویت‌شان می‌داند؛ یعنی هویت در مقابل غیریت قرار دارد. با این تعریف من دارای خصوصیات هستم چون شما از آن ویژگی‌ها و خصوصیات بهره‌مند نیستید، هویت تان با من متفاوت است. فوکو معتقد است لفظ غیریت به معنای بیگانه‌ای است که به عنوان جمع خودی محسوب نمی‌شود؛ یعنی ما اگر مجموع ایرانی‌ها را خودی بدانیم، چون فرانسوی‌ها نسبت به ما بیگانه هستند، بنابراین نسبت به ماهویتی متفاوت دارند و از طرف ما طرد می‌شوند. طبق نظر میشل فوکو وقتی ما غیر را می‌شناسیم، هویت خود را شناسایی کرده ایم. فوکو بیان می‌دارد هویت ملی وقتی ایجاد شد که واحدهای سیاسی با دولت‌های جدید برای تفاوت و تمایز یا سلطه بر دیگران؛ مفهوم ملی را ایجاد کردند. بدین ترتیب خصوصیات و ویژگی‌های یک دولت ملت با دولت ملت (همان منبع)، امروزه در جهانی این‌گونه دستخوش تغییرات مهارنشده و حیرت‌انگیز، مردم از نو حول محور هویت‌های دینی، قومی، سرزمینی و ملی گرد هم می‌آیند (کاستلز، ۱۳۸۰). به عنوان مثال فرایندهای موثر در شکل‌گیری هویت ایرانی را در شکل ۱ مشاهده می‌نمایید.

هویت ملی عالی‌ترین سطح هویتی هر فرد بشری است و معمولاً از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. این نوع رابطه هویتی که برخی آن را هویت محوری نیز نامیده‌اند، به لحاظ سلسله‌مراتبی برتر از سایر سطوح هویتی قرار می‌گیرد. هویت ملی از تعلق فرد به یک سرزمین و دولت ملی و یا به عبارتی به کشور خاصی سرچشمه می‌گیرد، و معمولاً افراد دارای بیش از یک هویت ملی نیستند (احمدی، ۱۳۸۲)، هویت ملی یا هویت جامعه‌ای، بالاترین سطح هویت جمعی در هر کشوری محسوب می‌شود. هویت ملی را تقریباً آخرین هویت اکتسابی می‌دانند که توسط فرد طی فرآیند جامعه‌پذیری از طریق خانواده، مدرسه و رسانه کسب هویت ملی سبب وحدت و می‌شود یکپارچگی مردم می‌شود. هویت ملی هر فرد به صورت بخشی از کل هویت‌اش در رابطه با جامعه‌ای که به آن تعلق دارد یا احساس می‌کند شکل می‌گیرد. هویت جمعی و به معنای احساس همبستگی عاطفی با اجتماع بزرگ ملی و احساس وفاداری به آن است. هویت ملی در کشاکش تصور ما اشکل می‌گیرد: ایران

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش

اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان

مديريت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

در برابر در برابر توران ، عجم در برابر عرب و تاجیک در برابر ترک. « هویت ملی » زاینده عصر جدید است که ابتدا در اروپا سر برآورد و آن گاه از اواخر قرن نوزدهم به مشرق زمین و سرزمین های دیگر راه یافت.

اما در واژگان علوم اجتماعی ، هویت ملی از ساخته های نیمه دوم قرن کنونی است که به جای « خلق و خوی ملی » که از مفاهیم عصر تفکر رومانتیک بود، رو اج یافت (احمدی، ۱۳۸۳)، هویت ملی، که بر پایه رویارویی « دیگران » و « ما » بنیاد می گیرد، هم می تواند نیرویی سازنده باشد و هم می تواند به نیروی ویرانگر بدل شود. احساس هویت ملی اگر در حد معقول و معتدل قرار گیرد، می تواند نیرویی برای همیاری و اعتلای فرهنگی باشد و اگر به قلمرو تعصبات ملی و قومی و نژادی وارد شود یا به بهانه چالش با تعصبات قومی به نفی و انکار و تمسخر میراث فرهنگی خویش بنشیند نیروی ویرانگر و زاینده دشمنی و ستیزه جویی خواهد بود (همان منبع). احمد اشرف، نیز بر سابقه دیرینه این مفهوم در میان جوامع بشری تصریح می کند: هویت ملی ریشه در احساس تعلق به طایفه و تیره و قبیله و ایل و قوم دارد. اعضای یک طایفه که نیابت مشترک دارند، در یک سرزمین معین زیست می کنند، هم زبان اند، آداب و رسوم مشترک دارند، و با یکدیگر در زمینه های اقتصادی همکاری دارند، رهبران مشترک دارند و برای دفاع از منافع طایفه می جنگند و معمولاً دارای نام معین و هویت جمعی هستند. در واقع، این احساس بسیار قدیمی قومیت و ایلیت را می توان از ریشه های اصلی ملیت گرایی (ناسیونالیسم) امروزی دانست. به اعتباری می توان ایلیت را به نوعی ناسیونالیسم ابتدایی تعبیر کرد، که در جریان تحولات تاریخی ابتدا خود را با جریان های سیاسی و فرهنگی فراقومی (فرا ایلی و فرا طایفه ای) هم ساز کرده و هویت قومی همراه با قومیت سیاسی امپراطوری و یا با هویت دین جهانی، همچون اسلام و مسیحیت در هم آمیخته و سپس در دوران جدید با پیدایش دولت های ملی به گونه ای تازه در قلمرو آن ها احیا شده است (تاجیک، ۱۳۸۳)

می توان گفت تا زمانی که از هویت هایی مثل هویت ملی صحبت می شود، مسأله اصلی تعریف خود شخص از هویت نیست بلکه این مسأله جنبه گروهی پیدا می کند و این نشان دهنده میزان نقش گروهها در هویت می باشد. به عبارتی در این هویت « من » به عنوان یک فرد تک افتاده ، مطرح نیست، بلکه آن چه مطرح می شود این است که هویت « من » به عنوان یک شخص دارای هویت، چطور با دیگر « من های » و « هویت ها » سازگاری پیدا می کند و در نتیجه چارچوب های گروهی، انسجام و سازمان می یابد. در واقع مسأله مهم در عرصه هویت ملی این است که در نهایت چگونه این هویت های فردی در قالب هویت های گروهی خود را نشان می دهند. از این منظر ، جوامعی که در آنها انفکاک ساختاری انجام شده و به عبارتی گذار از جامعه محدود به جوامع فراگیر صورت گرفته، از هویت های منسجم تر و پویا تری برخوردار هستند. در واقع شکل گیری هویت های گروهی که از درجه بالایی از انسجام برخوردارند، مسأله اصلی را تشکیل می دهد. بنابراین اگر این مکانیزم در جامعه ای پیش رود، هویت ملی در آن جامعه نیز تقویت خواهد شد ، ولی اگر هویت های فوق فردی شکل نگیرد، این جوامع با مشکلات زیادی روبه رو خواهند شد (علمداری، ۱۳۸۳). ضیاء صدر (۱۳۸۳)، هویت ملی را از دو جنبه مورد بررسی قرار می دهد:

۱) جنبه سلبی: یعنی مقوله هایی که هویت ملی به آنها وابسته نیست و با تغییر و یا حذف آنها هویت ملی پا برجا می ماند. از این منظر هویت ملی ماوراء مقوله های زیر است: نژاد، تبار، جنسیت، قومیت، دین، زبان و طبقات ؛ چرا که با حذف این موارد هویت ملی متزلزل نمی شود و از بین نمی رود.

۲) جنبه ایجابی: مقوله هایی که با تغییر یا حذف آنها، هویت ملی یا از بین می رود یا خدشه دار می شود و یا تغییر ماهیت می دهد. به عبارت دیگر این عوامل ، اساس هویت ملی را تشکیل می دهند و به قرار زیر میباشند:

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

سرزمین مشترک، منافع اقتصادی و تولیدی و پول مشترک، منافع سیاسی و امنیتی مشترک، دولت مشترک، حقوق و نهادهای مشترک، احساس روان شناختی مشترک در تعلق به آن منافع (صدر، ۱۳۷۷).

حاتم قادری (۱۳۸۱)، در مقاله خویش تحت عنوان: «چالش‌های دول و هویت» می‌گوید: تا جایی که تاریخ نشان می‌دهد، ما «هیچ‌گاه شاهد یک دوره شیوع و اوج ملت‌خواهی به معنای «ناب» آن نبوده‌ایم. در بهترین حالت، ملت‌خواهی در کنار دیگر قالب‌های هویت بخشی به انسان، نقش آفرینی کرده است. مشکل، زمانی است که میان قالب‌ها چالش ایجاد می‌شود. برخی قالب‌ها به جهت حجم پایین تر مثل خانواده به سادگی قابلیت انطباق با ملت را داشته و دارند، ولی دیگر قالب‌های هویت بخش بالفعل چون دین، یا بالقوه مانند جنسیت در برخی از جوامع از جمله ایران، این آمادگی را داشته و دارند که قالب هویت بخشی ملی را پاره پاره کنند، یا در مجموع جای آن تکیه‌زندان. اگرچه مقوله ملت‌خواهی، هنوز وجود دارد، ولی به سختی می‌تواند تنها مدعی اثر گذار، شکل بخش و تعیین کننده هویت اجتماعات انسانی باشد. از دیدگاه وی چهار عامل زیر هر کدام به نوعی در کار محدود کردن دعاوی ملت‌خواهی یا تغییر و دگرگون سازی عناصر و مؤلفه‌های آن مؤثر هستند:

الف) برخی مقولات و ارزش‌های عام، مانند دعاوی بری از ادیان گذشته و حال، اعم از ادیان سنتی یا فرقه‌ها و تفاسیر دینی ایمانی جدید و یا مفاهیمی چون حقوق بشر.

ب) انقلابات تکنولوژی، اطلاعاتی و ارتباطاتی که حوزه‌های متعدد و گسترده‌ای از انتقال پیام فرهنگ، اندیشه و مالاً هویت را فرا راه انسان گشوده است.

ج) فعال شدن برخی جنبش‌های حاشیه‌ای در دهه‌های اخیر چون جنسیت (فمینیسم)، قومیت، زیست و بوم‌گرایی و غیره.

د) تلاش برای کسب یا حفظ جایگاهی که در تحولات روز افزون و پیچیده جهانی به ویژه در سطح اقتصادی مناسب باشد و به طور منطقی انگیزه نیرومندی برای ایجاد پیمان‌ها و اتحادیه‌های منطقه‌ای از جمله اروپا، به شمار می‌آید. قادری معتقد است تمام این عوامل و تأثیری گذاری‌ها یک پیام آشکار دارند. *انعطاف در هویت ملی و قرار دادن هویت ملی در کنار دیگر هویت‌ها؛ به گونه‌ای که مجموعه‌های چندعنصری با ساخت منعطف تشکیل دهند.* هر هویت ملی‌ای که نخواهد به این قاعده گردن گذارد، در معرض آسیب‌های جدی بسیاری قرار گرفته و در نهایت در هم خواهد شکست (قادری، ۱۳۸۱).

## ۲- بعد فرهنگی هویت ملی

پیوند میان فرهنگ و هویت چنان عمیق است که اغلب، هویت را پدیده‌ای فرهنگی می‌دانند و برای فرهنگ شأن مستقلی در هویت قائل هستند. در جهان معاصر، هویت فرهنگی در مقایسه با دیگر ابعاد هویت، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. هویت فرهنگی هر ملت ریشه در تاریخ، باورها، ارزش‌ها و آداب و رسوم آن ملت دارد و نوع رفتار افراد را با جهان اطراف و با یکدیگر مشخص می‌کند. (اشرفی ۱۳۸۰)

شاخص‌های مهم این بعد عبارت است از: ۱. آیین‌ها و سنت‌های عام ۲. جشن‌ها و اعیاد و فرهنگ عامه ۳. ارزش‌های سنتی ۴. لباس و طرز پوشش ۵. معماری بناها و مکان‌ها ۶. رسوم ۷. عرف ۸. هنرهای بومی و ملی (حاجیانی، همان: ۱۱۲)

این شاخص‌ها و بحث‌های مربوط به هویت فردی، اجتماعی یا حتی روان‌شناختی، همه جنبه‌های هویت ملی ما را تشکیل نمی‌دهد و توضیح کافی از هویت ملی ایران در اختیار ما قرار نمی‌دهد. به ویژه در مواجهه با چالش‌هایی که ایران در ارتباط با جهانی شدن با آن روبرو است، راه حلی ارائه نمی‌کند. تا جایی که عنوان شد و به علت گسترش ارتباطات و آگاهی‌های ناشی از آن، نوعی مجذوبیت‌ها و مقبولیت‌ها، صحیح یا غلط نسبت به ملی‌گرایی و ارزش‌های غربی در جامعه ما ایجاد شده است.

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

در رابطه با مسئله هویت ملی، امروزه شرایطی پدید آمده که هویت ملی ما را از درون و بیرون به چالش می‌خوانند. از بیرون، ما با پدیده جدیدی به نام جهانی شدن و یا تمدن جهانی مواجه هستیم و ارزش‌های سنتی نمی‌تواند به مقابله با ارزش‌های جهانی پست مدرنیستی بپردازد. اکنون بسیاری از تجلیات دنیای غرب را پذیرفته ایم، البته این تجلیات مختص غرب نیست، بلکه حالت جهانی پیدا کرده‌اند. از این دیدگاه، هویت ایرانی‌داری چنان ظرفیت بالقوه‌ای است که می‌تواند با منطق جهانی شدن سازگاری پیدا کند. به عبارت دیگر، نه تنها در مقابل آن قرار نمی‌گیرد، بلکه می‌تواند ارتباط منطقی با آن برقرار کند (باوند، ۱۳۷۹).

برخی دیگر در مقابل دیدگاه مذکور به عنصر مذهبی تأکید می‌کنند، مانند علی شریعتی که با طرح نظریه بازگشت، به استقبال این تفکر رفت. آخوندزاده بر مسئله سه فرهنگ تأکید کرد و فخرالدین شادمان، مانند وی، لایه‌های سه‌گانه هویت ملی را مطرح ساخت. واقعیت این است که با توجه به نظام‌های سیاسی حاکم در ایران، سیاست‌های هویت‌سازیتوسط آنها آغاز شد. بحران هویت نیز همزمان با تفکر تشکیل دولت‌مدن در ایران مطرح شد. این نظام‌های سیاسی در یک قرن اخیر به ویژه در عصر پهلوی و پس از انقلاب، با تفکر ایرانی کامل، انسان غربی کامل و سپس انسان مسلمان کامل، به استقبال هویت‌سازی رفتند، اما این‌بلوک‌ها و گفتمان‌های ایدئولوژیک، با چالش‌هایی مواجه شدند. تجربه نشان داده است که سیاست‌های هویت‌سازی دولتی با شکست روبرو شده‌اند و حتی اثر هویت‌سازی از سوی دولت برعکس خواست واقعی جلوه خواهد نمود. کوشش دولت پهلوی جهت تأسیس هویت ایرانی به طور معلق موجب تشدید هویت اسلامی، جنبش اسلامی، تقویت روحانیت از نظر فکری و گسترش نفوذ آنان در بین قشر جوان و تحصیل کرده و روشنفکر شد.

### ۳- لایه‌های هویت ملی ایران و نظام آموزشی

در اغلب جوامع امروز، نظام آموزشی ابزار مهم تقویت ابعاد مختلف هویت ملی به شمار می‌رود. به اعتقاد برخی از تحلیل‌گران و کارشناسان، آموزش و پرورش به عنوان یکی از ارکان اساسی نظام آموزشی که در جامعه پذیری افراد نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند بزرگ‌ترین فصل مشترک «دولت» و «ملت» است (فانی، ۱۳۸۶). در کشور ما با وجود قریب به ۱۵ میلیون دانش‌آموز، بزرگ‌ترین شبکه ارتباطی بین دولت و مردم از طریق بیش از ۱۵۰ هزار مدرسه برقرار است. حضور بیش از یک میلیون نفر از کارکنان دولت در آموزش و پرورش کشور با میانگین سواد بیش از ۶۳/۱۴ سال (بالاتر از فوق دیپلم) پل ارتباطی مستحکمی بین حاکمیت و مردم ایجاد نموده است. لذا کوچک‌ترین تحول در آموزش و پرورش، اولیاء و در نتیجه مردم جامعه را متأثر می‌نماید (همان). آموزش و پرورش از طرق مختلف و با به کارگیری برنامه‌های متنوع می‌تواند در تقویت هویت ملی در آحاد ملت به ویژه در سنین کودکی و نوجوانی - که بیشترین اثربخشی و پایداری را دارد - ایفاء نقش کند. این نهاد سرنوشت‌ساز در حوزه کتب درسی، برنامه‌های درسی، تربیت معلم و تأمین منابع انسانی، فعالیت‌های فوق برنامه و از طریق شورای عالی آموزش و پرورش می‌تواند کارکردهای هویت ملی را تحقق سازد.

بطور کلی سه لایه قومی، ملی، مذهبی و یک لایه قوی یادگیری از ظرف جهانی، لایه‌های هویت ملی ایرانیان را تشکیل می‌دهند. بسیاری از تحلیل‌گران بر این باور هستند که برای تقویت هویت ملی باید به یک منشور ملی در این زمینه دست پیدا کرد؛ زیرا از این منظر نظام آموزشی ایران، باید برای هر سه لایه جا باز کند. از یک منظر آنچه عموم افراد را دور هم جمع می‌کند و زمینه‌ای مشترک برای کار، اهتمام و فعالیت ایجاد می‌کند، تعلق به سرزمین است. تعلق به سرزمین، مهم‌ترین سکوی اشتراکات عینی و کاربردی عامه یک ملت است. البته حل و فصل بحث‌های هویتی ساده نیست و به کار عمیق فکری، جامعه

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدرسه آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

شناختی، روانشناختی و فلسفی نیاز دارد. توجه به این نکته نیز مهم است تا زمانیکه مسئله هویتی خود را بواسطه نظام آموزشی - که از سنین کودکی با آن آشنا می شویم- حل نکنیم، آسیب پذیری ما افزایش می یابد. به ای نترتیب، هنر دولت مردان و عاملان آموزش کشور ما این است که بتوانند بابرخورد واقع بینانه، فضای مناسبی برای سه منبع دینی، ملی و جهانی هویت باز کنند و آنها را از طریق نظام آموزشی به سایر سطوح منتقل کنند. تقویت شاخص های هویت ملی مثل وطن دوستی، سرود ملی، زبان و خط رسمی و همچنین دین و مذهب رسمی، نظام، پول رایج، میراث فرهنگی و غیره باید از سنین پایین و بوسیله نظام آموزشی به افراد تزریق شود. موفقیت ها و افتخارات ملی گذشته در طول تاریخ، احساس تعلق به ملت واحد را تقویت خواهد کرد و احساس افتخار را در دانش آموزان نسبت به ملیت شان برخواهد انگیخت. تشریح شجاعت سرداران و سربازان ایرانی در جنگ ها به ویژه جنگ تحمیلی، پیوند اجتماعی لازم را که مسبوق به حافظه تاریخی واحد است، ارتقاء خواهد بخشید. همچنین باتوجه به عصر جهانی شدن، سیاست گذاری آموزشی باید علیه شکاف های قومی باشد؛ یعنی ذکر آموزه های مبتنی بر احساس ملت واحد به موازات تکریم و به رسمیت شناخته شدن تمامی قومیت ها و اقلیت های زبانی صورت پذیرد. متون درسی و نیز فعالیت های فوق برنامه مدارس باید دانش آموزان را با قومیت ها و نمادهای فرهنگی آنها نظیر لباس، زبان، غذاها و سنت ها و باورها و جلوه های هنری شان از قبیل آوازاها و صنایع دستی، آشنا سازد. همچنین افتخارات هر قوم در طول تاریخ باید یادآوری شود و نقش اقوام در حوادث بزرگ تاریخی ایران زمین مورد اشاره قرارگیرد. در این زمینه سرودهای دسته جمعی مانند سرودهای رزمی و میهنی بنا به فراخور گروه های سنی مختلف توصیه می شود تا پیکره یکپارچه ملت و احساس تعلق به آن تقویت شود.

## ۴- تحکیم هویت ملی و نظام آموزشی در سطح ملی و جهانی

در این قسمت برای تبیین بحث تحکیم هویت ملی و نظام آموزشی در سطح ملی و جهانی قصد داریم به بررسی چند پژوهش در این خصوص بپردازیم. یکی از مقالاتی که در این خصوص انجام شده، مقاله آموزش شهروندی ملی و جهانی، همراه با تحکیم هویت و نظام ارزش دانش آموزان توسط حسین لطف آبادی است. نظریه بنیانی ارائه شده در این مقاله آن است که آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هویت ملی و نظام ارزشی و مهارت های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن حاضر آماده کند. برای این منظور، نگرش آموزش و پرورش به برنامه های درسی و فعالیت های کلاس و مدرسه در آموزش عمومی باید تغییر یابد و افزون بر آموزش های درسی، تحکیم هویت نظام ارزشی انسانی و دینی و ملی، آموزش شهروندی و مهارت ها، سازندگی فردی و اجتماعی و اقتصادی و علمی و فرهنگی را محور برنامه های آموزشی و تربیتی قرار دهد. آموزش شهروندی محلی و ملی و جهانی به دانش آموزان، بخش مهم این برنامه ها است. (لطف آبادی، ۱۳۸۵) مطالعات ارائه شده در این مقاله نشان می دهد گروه های قابل توجهی از نوجوانان و جوانان دانش آموز ایرانی دچار ضعف های اساسی در هویت اجتماعی و مدنی و گرفتار نگرش های ضد اجتماعی و خلافکاری و روحیه سرکشی هستند. در چنین وضعیتی، آموزش حقوق و مسئولیت های محلی و ملی و جهانی در جوانب گوناگون شهروندی در برنامه های درسی و فعالیت های کلاس و مدرسه و آموزش رفتار مبتنی بر تفکر درست، مسئولیت پذیری و تصمیم گیری اندیشمندانه ضرورت دارد. وی به چگونگی این آموزش ها نیز می پردازد(همان).

در مقاله ای دیگر با عنوان «تحول هویت ملی دختران»، نویسنده به بررسی دوره های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر تهران پرداخته است. این پژوهش با توجه به ضرورت شکل گیری هویت ملی در دانش آموزان، در جستجوی بررسی

# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

وضعیت موجود تربیت یافتگان نظام آموزشی در احساس تعلق به هویت ملی دانش آموزان دختر دوره های تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه شهر تهران، همچنین بررسی سیر صعودی یا نزولی بودن این تعلق در دوره های تحصیلی و موفقیت نظام آموزشی در شکل گیری این هویت ملی می باشد. از دیدگاه این محقق، رسالت نظام آموزشی یا آموزش و پرورش در هر کشوری، تربیت نیروهای کارآمدی است که باورها، گرایش ها و تمایلات لازم برای پیشرفت و توسعه پایدار آن جامعه را در تمام مقوله های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی داشته است. چنین امری مستلزم شکل گیری هویت ملی در تربیت یافتگان نظام آموزشی بوده که خود دارای دو محور عمده هویت ملی و وجود احساس تعلق به آن است. آگاهی یابی مقوله ای از نوع عاطفی و گرایش است و وجود آن می تواند در افراد، میل به تلاش، پویایی و فداکاری را ایجاد نماید. این تحقیق در میان دانش آموزان سه دوره تحصیلی در شهر تهران انجام شده و ۲۴۰ نفر از آنها به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده اند. نتایج بدست آمده از این تحقیق، حاکی از آن است که رابطه معنی داری بین دوره های تحصیلی و تعلق به هویت ملی وجود ندارد. همچنین تأثیر نظام آموزشی بر شکل دهی هویت ملی مورد تأیید قرار نگرفت. در عین حال، سیر تکوینی وجود حس تعلق و عدم وجود حس تعلق بیانگر کاهش حس تعلق به هویت ملی از ابتدایی به راهنمایی و از راهنمایی به متوسطه می باشد. پارسا پژوه (۱۳۸۲)، در تحقیقی تحت عنوان «بررسی هویت فرهنگی» با دو دیدگاه نظری به مسئله هویت فرهنگی در دختران نوجوان ساکن در منطقه اسلام آباد شهرستان کرج پرداخته است. پژوهش وی در حوزه مطالعات قومی و فرهنگی است که در آن سعی شده است عواملی که باعث دل بستگی دختران نوجوان به محیط اجتماعی خاصی می شود را تحت عنوان هویت فرهنگی معین کند. مسئله اساسی این تحقیق آن است که چگونه محیط و شیوه زندگی فرد به او هویت فرهنگی می دهد؟ آیا فرد به محله و اجتماع و به طور کلی به هویت فرهنگی و اجتماعی خود متعهد خواهد ماند و خود را نسبت به محیط اجتماعی خود مسئول احساس می کند؟ وی در تشریح مسائل مرتبط با شکل گیری هویت فرهنگی برای این دختران، در نهایت این نتیجه کلی رامی گیرد که مطالعه هویت فرهنگی و اجتماعی و تعلق های اجتماعی در این محله نشان می دهد که نوجوانان دختر مورد مطالعه به طور کلی و علی رغم موقعیت محکم این محله، نسبت به آن احساس تعلق و دل بستگی می کنند و در نهایت نوعی دل بستگی به این هویت فرهنگی و اجتماعی دارند. بنظر می رسد چالش های روان شناختی مربوط به جهانی شدن، موجب شده است بسیاری از مردم، به ویژه نوجوانان و جوانان دبیرستانی و پیش دانشگاهی کشور ما، بر سر دو راهی انتخاب بین سنن قدیمی فرهنگی و تجدد طلبی مدرن سرگردان شوند و در جایی از بحران هویت را تجربه کنند. مطالعات انجام شده (لطف آبادی، ۱۳۸۳؛ لطف آبادی و نوروزی، ۱۳۸۳) روی یک نمونه ۴۲۹۲ نفری از نوجوانان و جوانان دانش آموز کشور نشان می دهد در برخی جوانب هویت، از جمله در هویت فرهنگی و اجتماعی و شهروندی، دو سوم از نوجوانان و جوانان دانش آموز ایرانی دچار کمبود و کم رشدی هستند و ویژگی عدم تعهد و حتی بحران هویت، دست کم در میان یک سوم از آنان وجود دارد. براساس این مطالعات، فقط ۳۳ درصد از نوجوانان و جوانان دانش آموز ایران به مرحله پیشرفت و دست یابی به هویت اجتماعی و مدنی رسیده اند و بقیه در تعلیق و توقف و اغتشاش هویت گرفتارند (جدول ۱). با توجه به این که قاعدتاً انتظار داریم رفتارهای اجتماعی و شهروندی در دوره دبستانی شکل اساسی و جامعه پسند خود را پیدا کند، این یافته ها نشان از وجود مشکل در هویت اجتماعی و شهروندی (در میان ۶۷ درصد از نوجوانان و جوانان دانش آموز) دارد. در مورد هویت شغلی نیز که عنصر بسیار مهمی در هویت اجتماعی و شهروندی است با نارسایی مشابهی روبه رو هستیم و شاهدیم که حدود دو سوم نوجوانان و جوانان دانش آموز از این نظر دچار مشکل هستند.



# هشتمین همایش ملی تازه‌های روانشناسی مثبت



وزارت آموزش و پرورش  
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان  
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب دانشگاه هرمزگان

اسفندماه ۱۴۰۰ - بندرعباس

در تحقیقی دیگر این فرضیه به اثبات رسیده است که سیاست های آموزشی با تاکید بر عناصر هویت ملی و اسلامی چون اعیاد ملی، وطن دوستی و اعیاد مذهبی از یک سو و عدم تقلید از سبک زندگی غربی و نمادهای غربی، ضمن تقویت هویت ملی و اسلامی منجر به حاشیه رانده شدن هویت های برآمده از نمادهای غربی خواهد شد (اطهری، ۱۳۸۷، ۱۸۸)

## ۵- نتیجه گیری

هویت ملی ایران از زبان فارسی، آموزه های اسلامی، حوادث تاریخی، ادبیات فارسی و عناصری از مدرنیته و تجدد سامان گرفته و اینکبه گونه ای درآمدی که در آن اسلام، زبان و ادبیات فارسی، نوروز، فرهنگ و تمدن پیش از اسلام؛ یعنی تمدن ایران و بخشی از عناصر مثبت مدرن وجود دارد. به نظر می رسد، نظام آموزشی در ایران می تواند از عناصر موجود در هویت ملی این کشور بدون اینکه هرکدام از این عناصر را بهیچترت تبدیل کند، تقویت نماید. در ایران به رغم برخورداری از گذشته غنی و تاریخ پر بار، نظام آموزشی تأثیر اندکی در هویت بخشیدن به دانش آموزان داشته است؛ به نحوی که اکثر دانش آموزان ایرانی تلقی نادرست و تصویر مبهمی از گذشته تاریخی خود دارند. از این رو، در حالی که کتاب از جمله مهم ترین وسایل برای انتقال مفاهیم و بالا بردن درجات آگاهی فرهنگی و رشد اجتماعی است، کتاب های درسی مدارس ایران تلاش اندکی در راستای تقویت هویت ملی کرده اند. در این راستا توجه به فرهنگ، سابقه تاریخی، هویت ملی و مذهبی و ارزش های اسلامی باید به عنوان مؤلفه های لازم اولویت های نظام آموزشی مورد توجه قرار گیرد. در واقع نظام آموزشی باید به گونه ای باشد که تلقی یکسانی از هویت ملی بین دو دانش آموز یکی در تهران و دیگری در یکی از روستاهای دور افتاده کشور بوجود آورد. به ویژه آنکه در فرهنگ اجتماعی و سیاسی ایران با دو سطح رفتار شهری و صنعتی از یک سو و رفتار عشیره ای، روستایی و سنتی از سوی دیگر مواجه هستیم. از این رو نوعی دوگانگی رفتاری و هویتی میان ایرانیان وجود دارد که باید به تدریج رفع شود. از سوی دیگر نظام آموزشی برای تقویت هویت ملی باید به صورتی باشد که منویات کلان کشور در آن متجلی شود. به خصوص که جامعه ایران از دو ویژگی ممتاز و بی بدیل برای جلوگیری از پیدایش بحران هویت برخوردار است. ویژگی اول به تاریخ غنی و پر بار ایران ارتباط پیدامی کند؛ به نحویکه ایرانیان همواره افرادی مذهبی بوده اند و در حال حاضر نیز با گرایش به مذهب شیعه از تمایزی بی بدیل با سایر مسلمانان جهان برخوردار می باشند. ویژگی دیگر، توجه به مؤلفه هایی مثل وطن دوستی، سرود ملی، زبان و خط رسمی می باشد که هویت ما را از سایر کشورها مشخص می کند.

## فهرست منابع

۱. احمدی، حمید. (۱۳۸۲). هویت ملی ایران، بنیادها و چالشها و بایسته ها، نامه پژوهشی فرهنگی، شماره ششم، تابستان.
۲. اشرفی، اکبر. (۱۳۸۰). نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ششم، شماره ۲۲ و ۲۳.
۳. اطهری، سید اسدالله. (۱۳۸۷). نقش مدرسه در بازتولید نظام سیاسی، تهران: معاونت. پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. باوند و دیگران. (۱۳۷۹). هویت ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، پاییز.
۵. بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). دیباچه ای بر جامعه شناسی سیاسی ایران، تهران، نگاه معاصر.
۶. بیگدلی، علی. (۱۳۸۳). سیر تحول و تکوین هویت ملی در ایران، از گفتارهایی درباره هویت. ملی در ایران، تهران، موسسه مقالات ملی.
۷. پای، لوسین. (۱۳۸۰). بحران ها و توالی ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۸. پای، لوسین. (۱۳۷۰). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی، ترجمه مجید محمدی، نامه فرهنگ، سال دوم، شماره ۵ و ۶.
۹. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). انسان مدرن و هویت، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، سال ششم، شماره ۱ پاییز و زمستان.
۱۰. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۷۸). فرامدومیسیم و تحلیل گفتمان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۲). گفتمان فصلنامه سیاسی - اجتماعی، شماره نهم، پاییز و زمستان.
۱۲. حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۷۹). تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم شماره ۱.
۱۳. شارع پور، محمود. (۱۳۸۵). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، سمت ۱۶۵ گروه پژوهش های فرهنگی و اجتماعی.
۱۴. شیخوندی، داوود. (۱۳۷۹). تکوین و تنفیذ هویت ایرانی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۱۵. صدر، ضیاء. (۱۳۷۷). کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، تهران، اندیشه نو.
۱۶. ضمیران، محمد. (۱۳۷۸). میشل فوکو، دانش و قدرت، تهران، هرمس.
۱۷. عبداللهی، محمد. (۱۳۷۵). جامعه شناسی بحران هویت، نامه پژوهش، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان.
۱۸. فانی، علی اصغر. (۱۳۸۶). نقش آموزش و پرورش در تقویت اتحاد ملی، مجموعه مقالات همایش ملی اتحاد ملی: راهبردها و سیاست ها، تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۹. قادری، حاتم. (۱۳۸۱). چالشهای دولت و هویت ملی در گذر شته و حال، فصلنامه مطالعه ملی، سال سوم، شماره ۱۱، بهار.
۲۰. کاستلز، اما نوتل. (۱۳۸۰). عصر اطلاعات: قدرت هویت، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، طرح نو.
۲۱. کچوئیان، حسین. (۱۳۸۲). فوکو و دیرینه شناسی دانش، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۳). هویت ملی: رویکرد اعتراضی به حزب هویتها، درگفتمان هایی درباره هویت ملی در ایران، گردآوری و تدوین: داوود میرمحمدی، تهران، موسسه مطالعات ملی.